

در قرن نوزدهم، چندین هیئت مسیحی برای تبلیغ به ایران آمدند که از آن میان، هیئت‌های کاتولیک فرانسوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. وجود اقلیت‌های مذهبی در ایران میدان عمل وسیعی را برای تبلیغ در برابر این هیئت‌ها می‌گشود که بیشترین این فعالیت‌ها در مراکز تجمع مسیحیان بومی متمرکز شده بود(۲)؛ در این رهگذر، فرانسویان و هیئت‌های مذهبی ایشان، بیشترین فعالیت‌ها را در این مراکز در اختیار داشتند.

آن‌جا که سخن از مسیحیان بومی به میان می‌آید، منظر بیشتر نسطوریان(۳)، ارامنه و کلدانیان بودند که اغلب در تهران، اصفهان (جلفا)، همدان، کرمانشاه، تبریز، ارومیه، سلماس و... سکونت داشتند؛ و زمانی که از هیئت‌های مسیحی نام برده می‌شود، نیت فرق مسیحی ایران است که دارای هیئت‌های خاص خود بودند.

متدیست‌های آمریکایی(۴) و هیئت‌های انجیلی آمریکایی چون هیئت‌های پروتستان سوئیسی و هیئت ارتدوکس‌های روسی، حتی در جاهایی که تعداد کمی مسیحی وجود داشت، می‌توان ردپاهای آنان را مشاهده کرد.

از آن‌جا که در بین این فرق، کاتولیک‌ها از موقعیت مساعد جهت تبلیغ استفاده کردند و در این بین با وجود دیگر فرق از دول دیگر، هیئت‌های فرانسوی بیشترین اعضای هیئت‌های مسیحی را تشکیل می‌دادند، در این وجیزه برآنیم تا گوشه چشمی بر عملکرد این هیئت‌ها آن‌هم به اختصار داشته باشیم.

سابقه حضور هیئت‌های کاتولیک فرانسوی در ایران، به قرن هفدهم و حضور هیئت‌های دومینیکن(۵)، ژزوئیت(۶) و کارم(۷)، برمی‌گردد. در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، از هیئت مسیحی کارم اثر چندانی به چشم نمی‌خورد. «دومینیکن‌ها» و «ژزوئیت‌ها» هم جای خود را به لازاریست‌ها و دختران نیکوکار داده بودند. سرپرستی لازاریست‌ها را از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۸ میلادی، سه نماینده فرانسوی پاپ بر عهده داشتند.

اولین نماینده هیلاریون مونتتی(۸) بود که در سال ۱۸۹۰ میلادی، پس از ورود به ایران در سازمان هیئت متبوع خود، اصلاحاتی انجام داد که چون همکارانش باری موافقت نکردند، در نتیجه «مونتتی»، جای دیگری جز ایران را به عنوان محل مأموریت خود تقاضا نمود که در ۱۸۹۶ میلادی، پس از ۶ سال ایران را ترک گفته، از کشور خارج شد.

دومین نفر از رؤسای «لازاریست‌ها» که پس از «مونتتی» در ایران سعی نمود موقعیت قدیم هیئت را به حال اولیه خود برگرداند، فرانسوالنه(۹) بود. وی ابتدائاً کلاس‌های تربیت کشیش را به خسروآباد منتقل کرد و مدرسه‌ای شبانه‌روزی و غیرمذهبی در ارومیه برپا نمود؛ و از بین محصلان همین مدرسه گروهی مستعد را جهت تعلیمات کشیشی به خسروآباد اعزام کرد. (۱۰) لنه در زمان ریاست خود یک مدرسه روزانه و حدود پنجاه مدرسه در دهات مختلف بنیان نمود(۱۱). در ۱۸۹۶ میلادی، از سوی پاپ لئون سیزدهم به او به واسطه خدمات بیست و پنج ساله‌اش که تحت عنوان نماینده واتیکان مشول کلیسای اصفهان و رئیس هیئت مسیحی در ایران فعالیت می‌کرد، سمت سرپرست مسیحیان ارومیه تفویض شد. مراسم رسمی انتصابش همان سال در پاریس برگزار شد. سال بعد هم خود وی نامه‌های پاپ را به اطلاع مظفرالدین شاه رساند. در دوره او بزرگان قاجاری توجه خاصی به هیئت مسیحی فرانسوی داشتند. بدین علت که در جریان سوء قصد به مظفرالدین شاه در پاریس، از آن‌جا که گزند وی به شاه وارد نیامد، لنه مجلس شکرگزاری در کلیسا برپا داشت که رضایت خاطر دولت قاجار را موجب گردید و این رضایت مندی توسط

مادام هو ماسن از بازماندگان هیئت‌های مذهبی فرانسوی در ایران

محمدعلی میرزا ولیعهد که در تبریز استقرار داشت به لته رسماً اعلام شد. این نماینده فرانسوی، بالاخره در ۱۹۰۹ میلادی به مرض دیابت درگذشت و در محراب کلیسایی که به همت خودش ایجاد شده بود دفن گردید.

سومین نماینده هیئت مسیحی در ایران امیل سونتا (۱۲) بود که از ۱۸۹۶ میلادی، پس از تغییر سمت لته، بدین مقام منصوب شده بود و تا ۱۹۱۰ میلادی در این مقام باقی ماند تا آن که در این سال رسماً به جانشینی لته انتخاب شد. «سونتا» بدون درنگ با دو دختر نیکوکار برای خدمت در خسروآباد و ارومیه راهی خسروآباد شد. در ۱۹۱۸ میلادی، وی در جریان حمله اکراد به کلیساهای کاتولیک آذربایجان به قتل رسید. (۱۳)

هیئت‌های مسیحی فرانسوی

حضور جماعات مسیحی در کشورهای شرقی، مشکلات و واکنش‌های نامساعدی را از سوی مردم محلی به همراه داشت که این ضدیت به دلیل عدم اعتماد به قدرت‌های اروپایی و دلبستگی شدید افراد محلی به اعتقادات مذهبی عجین شده با پوست و گوشت و خون آنها بود. در این بین، هیئت‌های کاتولیک فرانسوی در ایران، با این مسایل ناچاراً به گونه‌ای رفتار کردند که به طور مجمل به آن اشاره می‌گردد:

۱. **لازاریست‌ها:** آنها از ۱۲۵۶ تا ۱۸۴۰م، وارد ایران شده و تا ۱۳۱۳ق، در چند محل از جمله خسروآباد، هیئت کشیشی تهران، موسسه مذهبی تبریز و کانون مسیحی جلفای اصفهان اسکان یافتند و از آن جا که بنا شده بود سرپرستی هیئت مسیحی جلفای اصفهان به جماعت ربانی لازاریست‌ها و انجمن دختران نیکوکار سپرده شود، «لته» مأموریت اطلاع دادن این مطلب به مظفرالدین شاه را عهده‌دار شد؛ ضمن آن که به پاریس نیز گزارش داد که ساکنان جلفا به ژوئیت‌ها و خواهران کلونی (۱۴). البته در صورت عدم تمایل لازاریست‌ها و دختران نیکوکار، علاقه دارند. از نظر مالی نیز سرپرستی هیئت مذکور به یکی از مقامات مسیحی قسبات دشت ارومیه سپرده شد.

۲. **خواهران نیکوکار:** (یا دختران سن و نسان دوپل یا همان لازاریست‌ها) که قبل از نیمه دوم قرن ۱۹ در ایران مستقر شدند. مراکز عمده فعالیتشان هم در ارومیه، خسروآباد، تهران، تبریز و اصفهان قرار داشت. در ۱۲۵۶ تا ۱۸۴۰م، برای اولین بار در ارومیه ظاهر شدند و در ۱۸۹۶م، در زمان نمایندگی «لته» در ایران، خواهر کلونی (۱۵)، به سرپرستی این خواهران برگزیده شد. سه سال بعد «خواهر وردوی» (۱۶) جانشین وی گردید که در ۱۹۰۲م، از سوی «لته» دو دستیار برای او انتخاب شد. انجمن زنان نیکوکار در سال‌های ۱۹۰۹-۱۹۰۸م، در ایران تشکیل شد که «خواهر وردوی» و «ماری لاپیر» (۱۷) به اداره آن مشغول بوده، جهت عضوگیری شروع به دعوت کردند. در نتیجه ۲۰ تن از بانوان به عضویت این انجمن درآمدند. کمی بعد تعداد آنها به دو برابر رسید. در تهران هم به سال ۱۹۰۲م، پس از تغییراتی که در مراکز دختران نیکوکار، به واسطه روی کار آمدن «لته» روی داده بود، در نهایت کانون قلب عیسی از جمله شعبات دختران نیکوکار در محله اروپایی نشین منحل شد، و «خواهر هنری تاردی» (۱۸)، سرپرست کانون مذهبی دروازه قزوین، قدرت بلامنازعی گردید. ضمن آن که خواهران دیگری از این کانون به دیدار تنگستان و رسیدگی به کلاس‌های درس و نیز رسیدگی به امور مدرسه شبانه‌روزی و کارگاه مبادرت ورزیدند. خواهر مذهبی دیگری هم در موسسه خیریه و یک خواهر دیگر نیز در دارالایتم پسرانه به کار پرداختند.

در تبریز هم به سال ۱۳۱۸ق / ۱۹۰۰م، ۷ خواهر نیکوکار فعال بودند که تنها در ۱۹۰۳م بود که توانستند به صورت رسمی موفق به سازماندهی و پایه‌گذاری کانونی دائمی شوند. یک سال بعد که در تبریز ویاشیوع یافت، مدارس تعطیل شد، خواهر مذهبی مارت مارکی، (۱۹) اموال خود را در اختیار مؤسسه خواهران نیکوکار قرار داد ولی چون اصرار داشت که خود بر امور مالی نظارت داشته باشد، در نهایت روابط صمیمانه خود را با مالاوال رئیس هیئت مسیحی از دست داد.

از آن پس به تدریج با حضور گروه‌های مختلف خواهران مذهبی و کارهایشان در ایجاد آموزشگاه‌های شبانه‌روزی و مدارس روزانه و ... تشکیلات دختران نیکوکار رو به تکمیل شدن نهاد. هم زمان با درخواست «لته» در ۱۹۰۳م، جهت حضور چند خواهر نیکوکار در تبریز، همین تقاضا را برای جلفای اصفهان تکرار نمود و این تنها در ۱۹۰۴م بود که چهار دختر نیکوکار به سرپرستی خواهر شوبله (۲۰) به جلفای اصفهان رسیدند. مادر روحانی کیفه (۲۱) که رئیس کل انجمن خواهران نیکوکار پاریس بود، مأمور هزینه خرید و برقراری کانون مذهبی شد و پس از انجام تشریفات کانون مریم مقدس توانا توانست کار خود را آغاز نماید. در ۱۹۰۶م، نیز خواهر ماری ویلت (۲۲) از پول خود خانه‌ای چسبیده به محوطه خواهران مذهبی را خریداری نمود و به صورت مؤسسه خیریه‌ای جهت نگهداری اطفال که به طور رسمی یک سال پس از آن افتتاح شد، درآورد.

۳. **هیئت‌های مسیحی دیگر:** «کارم‌ها» که از ۱۸۹۶ تا ۱۹۱۴م فعالیت داشتند. از ۱۸۹۹م، یک روحانی کارمی، سالانه از جماعت کاتولیک بوشهر بازدید می‌کرد. «کارم‌ها» هم به طور سالیانه مبلغی بالغ بر ۱۰۰۰ فرانک از نایب کنسول فرانسه در بوشهر به نام هنری فران (۲۳) دریافت می‌کردند و در ۱۹۰۴م نیز به طور دائمی در بوشهر اسکان گزیدند. در ۱۹۰۶م، هیئت بازرسی نماینده پاپ در بین‌النهرین، در خارج از شهر بوشهر، زمینی برای قبرستان کاتولیک‌ها خریدند که خرید آن و همچنین یک باب منزل، به تقاضای سفیر فرانسه در تهران و با اجازه مظفرالدین شاه صورت پذیرفت. ضمن آن که «کارم‌ها»، منزلی را که ابتدا به صورت استیجاری در اختیار داشتند، پس از ابتیاع آن به سال ۱۹۰۹م، تبدیل به کلیسا و مدرسه کردند که همیشه دارای یک کشیش بود. قسمت‌های جنوبی ایران چون بصره، بوشهر و خرمشهر، در این اوان به صورت دائمی همیشه یک «هیئت مسیحی کارمی» داشت که در تلاش بودند پایه پای «لته» که «هیئت لازاریست‌های جلفای اصفهان» را بنیاد نهاده بود، آنها هم در جلفا محلی برای خود تهیه نمایند و به این واسطه در تهران هم جای پای باز کنند. فعالیت «کارم‌ها» منجر به نگرانی «هیئت مسیحی لازاریست» گردیده بود. دیگر فرق و هیئت‌های مسیحی دیگر چون ژوئیت‌ها و دومینیک‌ها هم در این اوان چندان نقشی نداشتند و جز چند کلیسا و دیر که یادآور نفوذ گذشته‌شان بود، از آن اثری دیده نمی‌شد، اما در این فاصله «لازاریست‌ها» چنان به تثبیت خود پرداخته بودند که فرصت‌های دیگر هیئت‌های مسیحی را جهت کسب قدرت، از آنها گرفته بودند.

آثار و تلاش‌های هیئت‌های مسیحی فرانسوی

به جرات می‌توان گفت زمینه‌های متعدد فعالیت هیئت‌های مسیحی فرانسوی در بخش درمانی، آموزشی و مذهبی در اختیار لازاریست‌ها و دختران نیکوکار بوده است. شرح مفصل این فعالیت‌ها چون به تطویل مقاله

می انجامد، بدین جهت از آن چشم می پوشیم.

۱) از نظر امور آموزشی آنان در شهرهای ارومیه، خسروآباد، تهران، تبریز و جلفای اصفهان با تاسیس مدارس و مراکز آموزشی متعدد در مقاطع مختلف، در صدد ارتقای سطح دانش و فرهنگ در مناطق مذکور بودند. در این بین تنها به اشارت به برخی از این اقدامات در برخی شهرها می پردازیم: در شهر ارومیه حمایت های محمدعلی میرزا ولیعهد و مقامات ایرانی، موجبات رونق این مرکز را فراهم آورد. تاسیس کلاس ها، مدرسه شبانه روزی، در مانگاه مدرسه حرفه و هنر، مدرسه عملی طب و ... از جمله اقدامات هیئت های مسیحی فرانسوی مقیم ارومیه بود که جملگی با اعانات قابل توجه محمدعلی میرزا بیشتر امکان رشد می یافتند. بیشترین سهم آموزشی و تاسیس مدارس را هم هیئت های کاتولیکی ارومیه برعهده داشتند. (۲۴)

در تهران مدرسه این هیئت تنها پنجاه شاگرد و مدرسه شبانه روزی حدود نود شاگرد داشت که تا ۱۹۰۰م، این تعداد به تدریج رو به کاهش نهاد. در ۱۹۰۵م به بعد این روند به واسطه تلاش بیشتر اصحاب این هیئت ها و نیز حمایت های خارجی از جمله تامین مخارج مالی خرید و تاسیس مدرسه ای جدید واقع در منزل شجاع السلطنه توسط «پدر فیا» (رئیس کل لازاریست ها) تعداد این شاگردان رو به فزونی نهاد. به گونه ای که ۵ سال بعد تعداد شاگردان مدرسه به ۳۵۰ تن رسید. مدرسه هیئت کشیشان تهران که ابتدا در منزل شجاع السلطنه تشکیل می شد بعدها به نام (سن لویی) معروف گردید و بزرگ ترین مدرسه تهران شد. (۲۵)

در ۱۹۱۳م، دولت فرانسه این هیئت را کمک نمود تا مرکز مطالعه علوم فیزیک و طبیعی به یاد پوانکاره (۲۶) ایجاد نماید؛ همچنین مدرسه سن لویی به دبیرستان متوسطه تبدیل شود و در اعلانی چاپی به اطلاع دیگران برسد. در تبریز هم خواهران نیکوکار به سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م، طرح آموزشی خود را اجرا کرده، مدرسه پسرانه ای شامل ده شاگرد ارمنی و مسلمان را بنیاد نهادند. همچنین کلاس های مخصوص تدریس زبان فرانسه در مقاطع سنی بزرگ سال را تشکیل دادند. در همان سال به سرپرستی پدران روحانی مدرسه ای احداث شد که با وجود داوطلبان بسیار به واسطه کمی جا از صدها داوطلب، تنها توانستند از ۷۴ نفر ثبت نام به عمل آورند. در همین اوان هم خواهران نیکوکار بر آن شدند تا بیمارستانی ضمیمه مدرسه طب کنند تا در نتیجه مؤسسه پزشکی آمریکایی های متدیست را با رکود مواجه نمایند. (۲۷) در ۱۹۰۷م، محصلان مدرسه پسرانه که تعدادشان زیاد شده بود به ایجاد ۲ مدرسه مجرای ارمنی و مسلمان انجامید که در ۱۹۱۰م، از این مدرسه ها بهره برداری شد.

در اصفهان در منطقه جلفا، گسترش مؤسسات آموزشی از ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م، آغاز شد. مدرسه ای باسی شاگرد تاسیس و در کمترین زمان به دو برابر ارتقاء یافت. خواهران نیکوکار هم مدرسه ای دخترانه ایجاد کردند. در ۱۹۱۰م، مدرسه «ستاره صبح» که معلمان اصفهانی جهت تدریس فارسی و دیگر دروس در آن مشغول بودند احداث شد که پایان سال تحصیلی بانیان آن متضرر شدند. در نتیجه سال ۱۹۱۳/۱۴م، این مدرسه کار خود را با شاگردانی اندک و کادر تعلیماتی محدود آغاز کرد. (۲۸)

۲) درمانی؛ چنان که گفته شد، محل های خاصی به عنوان محدوده فعالیت هیئت های مذهبی فرانسه وجود داشت که فعالیت های درمانی را هم در بر می گرفت. فی المثل در ارومیه خواهران نیکوکار مؤسسه ای خیریه جهت نگره داری اطفال خردسال داشتند؛ ضمن آن که در مانگاه و بیمارستانی با ظرفیت

۳۰ نفر را هم تحت پوشش خود اداره می کردند.

خسروآباد نیز مؤسسه ای خیریه و بیمارستانی که توسط خواهران نیکوکار اداره می شد داشت. در تهران علاوه بر در مانگاه و بیمارستان، هیئت مسیحی پرورشگاهی ۳۵ نفره داشت که کل این مؤسسات در ساختمان بزرگی واقع در محله مسیحی نشین که خواهران روحانی در آن اسکان داشتند، قرار داشت. مؤسسه خیریه جلفای اصفهان هم از ابتدای ورود خواهران نیکوکار، به سال ۱۹۰۴م، آغاز به کار کرد و در مانگاهی هم برای نگره داری حدود ۶۰ بیمار تاسیس شده بود.

۳) کارهای تبلیغی هیئت مسیحی؛ اغلب این اقدامات عبارت از چاپ نوشته های متعدد دینی و روزنامه هایی به زبان های مختلف جهت جلب توجه مردم به آیین مسیح بود. بزرگترین چاپخانه هیئت مسیحی در ایران در ارومیه قرار داشت. همچنین جلفای اصفهان دارای چاپخانه بود.

۴) اقدامات مذهبی؛ هیئت کشیشان کاتولیک فرانسوی ایران، جدای دیگر اقدامات خود، سعی در تغییر مذهب سایر فرق مسیحی به کاتولیک، ایجاد کلیسا و محل اسکان هیئت های مسیحی، تاسیس مدارس تربیت کشیش و ... داشتند. چنان که در ۱۸۹۸م، یکی از این کشیشان توانست در سفر تبلیغی خود در ارومیه، شش پروتستان و پنج نسطوری و یک ارمنی را به آیین کاتولیک متمایل نماید. این تعداد در فاصله سال های ۱۸۹۸.۹م، به ۳۵۰ نفر در کل ایران رسید. (۲۹) خواهران نیکوکار در تهران هم، تحت عنوان دعوت مردم به «ایمان واقعی» همین هدف را دنبال می کردند. مدرسه جلفای اصفهان نیز با همین نیت که کودکان را به آیین کاتولیک دعوت نماید، تاسیس شد. (۳۰)

علاوه بر فعالیت های هیئت های کشیشی جهت استقرار در یک ناحیه، باید به ایجاد کلیسا به عنوان اقدامی جدی نگریست که همین جدیت موجب ساخت یا مرمت چندین کلیسا در قسمت های مهم کاتولیکی ارومیه طی سال های ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹م، شد. در ۱۹۰۰م، هم محل جدیدی برای اسکان نماینده پاپ در ارومیه ساخته شد. دیگر شهرها هم، هر یک دارای کلیسا بودند. در یک جمع بندی از آن چه که تاکنون بدان پرداختیم، می توان دریافت که هیئت های مسیحی فرانسوی در کشوری چون ایران، تلاش ها و کوشش های فراوان انجام داده اند.

هر چند کوشش این هیئت ها با انگیزه های گوناگونی صورت پذیرفته است؛ که در جای خود آثار سویی نیز بر جای گذاشته است، اما نمی توان منکر فعالیت و کوشش هیئت های مسیحی در راه سوادآموزی مردم و درمان بیماران شد. در این بین رقابت و مشاجرات بین گروه های مسیحی و سیاست های دول مسیحی که در خدمات آنها تاثیر گذارده بود، عدم استقبال مردم ایران که دارای تعصبات شدید مذهبی بودند، از نتیجه بخش بودن اقدامات مسیحیان می کاست. اما به هر حال خدمات آموزشی و بهداشتی آنان، فداکاری برخی مسیحیان مؤمن و زحماتی که به خصوص برای کسانی که بیماری های واگیر چون جذام داشتند، حرکتی انسانی بود که هر نوع دوستی قادر به انکار آنها نیست.

افول و زوال اقدامات این هیئت های مذهبی کاتولیک با آغاز جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۴م، رخ داد. در این سال کشیشان و خواهران روحانی به فرانسه بازگشتند، و روند نزولی حضورشان که از سال ۱۹۱۰م، آغاز شده بود شدت یافت. در پایان جنگ جهانی هم چنان از فعالیت هایشان کاسته شده بود که تنها چند کشیش به صورت پراکنده در ایران باقی مانده بودند. (۳۱)

مادام توماسن

بی کار شد و بدون حقوق مانده بود. (۳۵) در این بین، بنا شد که وی با سمت خیریه در مرکز جدید استخدام شود، (۳۶) و چون چندی گذشت وجودش را غیر مفید دانسته، مقرر شد تا از عده‌ای خانم‌های ایرانی که با وجودشان مفیدتر، و یارارای سابقه در این مؤسسه یا سایر مدارس بودند، استفاده شود و به استخدام درآیند. در نتیجه این عضو خواهران نیکو کار که از نیمه‌های سال ۱۲۹۷ شمسی به میل خود و به پیشنهاد و ستاده‌ل رئیس کل نظمیه، نگه‌داری از اطفال یتیم را پذیرفته بود، مجدداً بی کار شد و از سرنوشت و سرانجام وی دیگر اطلاعی به دست نیامد. در پایان این مقاله نیز، چند سند مربوط به صورت حساب‌های انجمن خیریه فرانسوی و کمک‌هایی که این انجمن به فرانسویان عضو مجمع می‌کرد و یادلایل عدم پرداخت آنها را برای اطلاع بیشتر محققان و خوانندگان محترم، به ضمیمه آورده‌ایم.

با این مختصر از تاریخ روابط هیئت‌های مسیحی فرانسوی در ایران عصر قاجار، برآنیم تا در این نوشتار با استعانت از اسناد به فعالیت‌های یکی از این خواهران نیکو کار به نام «مادام توماسن» که حوالی سال ۱۳۰۰ شمسی زیر نظر نظمیه به ریاست و ستاده‌ل سوئدی (۳۳) مشغول به کار بوده است بپردازیم. این خواهر روحانی که در زمان رکود فعالیت‌های مسیحی در ایران، به طور داوطلب و انفرادی به فعالیت پرداخته بود، در دارالایتم، سرپرستی عده‌ای از اطفال خردسال را عهده‌دار بود. پس از آن که بلدییه (شهرداری ۳۳) تاسیس شد، به موجب قوانینی که در اساس نامه بلدییه ذکر شده بود، کلیه مؤسسات خیریه به حساب شهرداری اداره می‌شدند و از تقسیم آنها به خانه‌های خصوصی جلوگیری می‌شد. (۳۴) مقرری آنها هم قطع و کودکان خردسال به امور خیریه بلدییه منتقل شدند. با این توضیحات، در نتیجه مادام توماسن از کار

بلدییه تهران - نمره ۲۴۴۳ - مورخه ۲۸ برج سرطان ۱۳۰۰ - ضمیمه ندارد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

در جواب مرقومه نمره (۵۶۷۹)، راجع به استخدام مادام توماسن فرانسوی برای قسمت انائیه دارالایتم، خاطر مبارک را قرین استحضار می‌دارد که مادام مشارالیه در دو سال قبل از طرف اداره نظمیه مأمور به نگهداری یک عده سی نفری از اطفال خردسال [خردسال] بوده است و ماهیانه مبلغی از [؟] برای این خدمت مخصوص دریافت می‌داشته. پس از تاسیس بلدییه که تصمیم گرفته شد کلیه مؤسسات خیریه به حساب شهر اداره شده و از تفرقه و تجزیه، همچنین تقسیم آنها به خان‌های [خانه‌های] خصوصی جلوگیری به عمل آید دولت مقرری خود را قطع نموده، و اطفال را به اداره امور خیریه بلدییه انتقال دادند. هم در آن وقت از طرف متصدیان اموریه بلدییه تهران اشاره شد که مشارالیه را در خدمت خیریه بپذیرند. اداره با ملاحظاتی جوانب، به اطراف کار و تجربه و اطلاعاتی که از سابقه خدمت مشارالیه پیدا هم بود، وجود او را مفید ندانسته و یک عده از خانم‌های ایرانی که از حیث اطلاعات و کار مناسب‌تر و در سابق در این مؤسسه یا در سایر مدارس به تدریس اشتغال داشته، با شرایطی که مناسب با صرفه‌جویی در یک مؤسسه خیریه است، کماکان به خدمت گماشت. تفرقه و تجزیه دارالایتم که اکنون با یک اساس مرتبی تشکیل شده و سپردن عده‌ای [از آن‌ها] به مادام (توماسن) که مثل سابق در خانه خود نگهداری کند، چنان چه از مفاد مرقومه نمره (۸۳۳)، وزارت جلیله داخله مستفاد می‌شود به هیچ وجه صلاح نمی‌داند ولی در صورتی که استخدام ایشان در دارالایتم اسباب اعتراضی نشود، بلدییه تهران می‌تواند از وجود خانم مشارالیه استفاده نموده و با شرایطی که مناسب با بودجه و وضعیت آن جا باشد ایشان را به خدمت بگمارد. [مهر: بلدییه تهران]

ضمیمه ۱ [سند شماره ۹ و ۲/۱۷۵/۳-۲۹۳]

وزارت داخله - سواد صادره از مقام منبع ریاست وزراء عظام -

مورخه ۲۴ سرطان ۱۳۰۰. نمره ۵۶۷۹

اداره بلدییه

در باب رجوع خدمتی در دارالایتم به مادام توماسن به طوری که از وزارت داخله اخیراً به آن اداره اشعار داشته‌اند، نظر به این که مشارالیه سابقاً در اداره نظمیه به پرستاری عده‌ای از ایتم اشتغال داشته و در این خدمت امتحان شایسته تمجید صادر و با خدعتمانی که درین راه نموده، مدتی است بیکار و بدون حقوق مانده است، لازم است هر چه زودتر در شعبه خیریه بلدییه در قسمت راجع به پرستاری و مراقبت اطفال یتیم، مشارالیه را به خدمت مشغول نمایند و حقوق مناسبی برای او پیشنهاد کنید که تصویب شود. سواد مطابق اصل است.

ضمیمه ۲ [سند شماره ۳/۱۷۵/۳-۲۹۳]

مقام منبع وزارت جلیله داخله

مرقومه مطاعه به نمره ۶۵۵ متضمن عین یک فقره مشروح فرانسو در موضوع مادام توماسن عز وصول بخشیده چنانچه به مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام عرض شد، برای استحضار وزارت جلیله نیز به عرض می‌رساند مادام مشارالیه از دو سال و نیم قبل برحسب میل و تقاضای خودش و به موجب درخواست و پیشنهاد این بنده متصدی نگاه‌داری اطفال یتیم و بلاصاحب شده و با ماهی فقط دویست و پنجاه تومان که از طرف دولت علیه مقرر شده بود این عمل را اداره کند و در کمال مراقبت و دقت اطفال مزبور را نگاه‌داری و پرستاری می‌نمود در کابینه سابق که اداره بلدییه توسعه یافته نگاه‌داری اطفال مزبور نیز به آن اداره انتقال یافته اکنون مادام مشارالیه مایل است که این کار مایشاء به خود مشارالیه محول و واگذار شود منوط به نظریات وزارت جلیله و تصمیم دولت علیه خواهد بود. رئیس کل تشکیلات نظمیه.

حاشیه: ۱. حسب الامر در موضوع یادداشت سفارت فرانسه از اداره نظمیه توضیحات خواسته شده بود مشروح اداره نظمیه با عین یادداشت به عرض می‌رسد که هر طور مقرر فرماید اقدام شود. ۱۳ سرطان ۱۳۰۰
۲. اداره مرکز، مقرر فرماید با اداره بلدییه مذاکره شود که در صورت امکان مادام توماسن سپرده شود یا در همان اداره دارالایتام چنین خدمتی به او رجوع شود از همین قرار اقدام شود... ۱۶ سرطان]
ضمیمه شماره ۳

وزارت مالیه - نمره خصوصی ۳۱۱۶ - دوسیه ۴/۵ - اداره محاسبات کل شعبه

محاسبات وزارت خانه. تاریخ ثبت به تاریخ ۱۳۰۰/۴/۱۴

آقای الکساندرخان

اجازه داده می‌شود که مبلغ نود و سه تومان و سه قران [و] هفتصد دینار و جوهی را که از قرار مراسله نمره ۳، بابت تنمه طلب محاسبه نمره ۱۴۲۴، انجمن خیریه فرانسوی معین کرده‌اید، در وجه سفارت خانه مزبور کارسازی داشته و به این حساب خاتمه دهید. (وزارت مالیه)

[حاشیه]: برداشت عقیده اداره محاسبات کل این است که این جزئی طلب انجمن خیریه فرانسوی که سفارت فرانسه هم تاکید نموده، از طرف بانک دولتی پرداخت شود.

[حاشیه]: به مقام ریاست وزراء عظام، عرض شود پس از تصویب از آن مقام منبع اقدام نمایند. ۸ سرطان [۱۳۰۰]
[سند شماره ۲۴۰.۹۶۷۷۹]

وزارت جلیله مالیه

چند روز قبل از سفارت فرانسه راجع به چند فقره وجوهی که متعلق به کمیته قبرستان کاتولیک و متعلق به کلیسای کلدانی در بانک استقراضی ایران امانت بود مراسله به وزارت امور خارجه رسیده و در نظریات دولت در باب استرداد وجوه مزبور از بانک استقراضی استعلام نموده بودند از طرف وزارت امور خارجه به مراسله مزبور این طور جواب داده شد که دولت فعلاً مشغول تحویل گرفتن و رسیدگی به محاسبات بانک مزبور است همین که عمل انتقال بانک به دولت صورت انجام پذیرفت بانک استقراضی ایران در تادیبه وجوهی که در آنجا امانت است اقدام خواهد نمود بعد از ارسال این جواب مجدداً مراسله از سفارت مشارالیه رسیده و تقاضا نموده‌اند وجه حساب نمره ۱۴۲۴ را که به اسم انجمن خیریه فرانسوی در ایران است بانک مزبور به سفارت فرانسه مسترد دارد زیرا آن طوری که می‌نویسند برای انجمن خیریه فرانسوی غیرممکن است نسبت به فرانسویان عضو مجمع بابت وجوهی که به ضمیمه سواد مراسله مجددی که از سفارت مشارالیه رسیده است سفارت فرانسه تقاضا نموده است وجه حساب نمره ۱۴۲۴ را که به اسم انجمن خیریه فرانسوی در ایران می‌باشد به سفارت فرانسه مسترد دارند و از نتیجه نیز وزارت خارجه را مستحضر فرمایند که در جواب مراسله اخیر سفارت اظهار شود.

[حاشیه]: اداره کل محاسبات. حساب انجمن خیریه فرانسوی را از بانک بخواهید که قبل از کارهای دیگر معین داشته اطلاع دهم تا جواب وزارت خارجه و سفارت فرانسه دچار تاخیر نباشد.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۲. غفاری، ابوالحسن، تاریخ روابط ایران و فرانسه، ج اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۳۱.
 ۳. پیروان نسطوریوس Nestorius متولد سوریه و خلیفه کلیسای قسطنطنیه در ۴۲۸م.
 ۴. Methodistes از شعب پروتستان با اصول عقیدتی مشکلی که در قرن هجدهم توسط جون ولسلی John Wesley جهت بیداری احساسات مذهبی تأسیس شد.
 ۵. Dominicain فرقه‌ای از مسیحیت که به سن دومینیک Saint Dominique معتقد بودند.
 ۶. Jesaites یا یسوعی‌ها پیروان اینیاس دولویو Ignacedeloyola
 ۷. Carme از کشیش‌های جبل‌الکرم.

۸ - Hilaton Menthy.

۹ - Francois lens.

۱۰. از مراکز مهم کاتولیک‌ها در ایران، دهی در پنج کیلومتری جنوب غربی سلماس واقع در استان آذربایجان غربی.

۱۱. تاریخ روابط ایران و فرانسه، ص ۱۳۴.

۱۲ - Emile Sontag.

۱۳. کتاب بالا، ص ۱۳۶.

۱۴. Soeurs de Cluny از پیروان جنبش اصلاح خواهانه در امور مذهبی،
 Antide chetelet, la mission lazarette perse, op, cit, p, ۴۲۷.

۱۵ - Clutin.

۱۶ - Verdeull.

۱۷ - Marie Lapemere.

۱۸ - Henriette Tardy.

۱۹. Marth Marquis، کتاب قبلی، P. ۴۴۷.

۲۰. Choblet، تاریخ روابط ایران و فرانسه، ص ۱۴۸.

۲۱ - Kiefert.

۲۲ - Marie Vilette.

۲۳ - Henry Ferrand.

۲۴ - Ibid, lettre de lecomt pichon, sur le commerce francais et la perse n/۶, thran, le ۲۴ septembre ۱۹۱۳, p. ۹۶.

۲۵. منبع بالا، P. ۲۲۶.

۲۶. Raymond Poincars سیاستمدار مشهور فرانسوی که از ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ میلادی رئیس‌جمهور فرانسه بود. وی پسر عموی هنری پوانکاره ریاضی‌دان برجسته بود.

۲۷. تاریخ روابط ایران و فرانسه، ص ۱۵۵.

۲۸ - Antide chetelet, op. cit., p, ۴۲۸.

۲۹ - Ibid, P. ۵۱۳.

۳۰. همان کتاب، P. ۲۲۱.

۳۱ - les misapns Catholiques, lyon, maugin rosand, t. ۳۲, ۱۹۰۰. P. ۴۳۲.

۳۲. Verdahl که در ابتدا در استکهلم پایتخت سوئد کفالت یکی از کلاتری‌های آن شهر را داشت، به سال ۱۲۹۲ شمسی به استخدام نظمه ایران درآمد تا به همراه چند تن دیگر از صاحب‌منصبان شهرتانی سوئد، نظمه ایران را اصلاح نمایند. این گروه در حدود ده سال و چهار ماه در ایران مشغول به کار بودند و موفق به بنانهادن شالوده صحیحی در نظمه شدند. اما به واسطه مسایل سیاسی مجبور شدند تا به سال ۱۳۰۲ شمسی که از مقام خود معزول شدند از کار کناره گیرند. (مجویبی اردکانی، حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، چ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۵۵-۱۵۶ سپهر، احمد علی خان، ایران در جنگ بزرگ، نشر ادیب، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۱۶/پاشالوا، مختاری، تاریخ هفتاد ساله پلیس ایران، چاپخانه آرش، تهران، ۱۳۲۶، ص ۴۲۳)

۳۳. همان سال ۱۳۰۰ شمسی بنایی تحت نام بلدی تهران در میدان توپخانه احداث شد که در همان سال بلدیه تهران طبق تشکیلات مصوبه‌ای در ۱۴ ماده، در این مکان، رسماً آغاز به کار کرد. بند پنجم از تشکیلات بلدیه تهران مربوط به وظایف این سازمان در قبال امور خیریه و از آن جمله تأسیس دارالایتام و دارالمساکین و ... است (ر.ک: سند شماره ۴۹۲/۵۱۰۶۲/۵۱۰۱۱ و ۸۱۰۱۱ از اسناد بایگانی سازمان اسناد ملی ایران).

۳۴. سند ضمیمه شماره ۱، در پایان مقاله به نمره ۲۹۲/۳۱۷۵۹/۲ از اسناد بایگانی سازمان اسناد ملی ایران.

۳۵. سند ضمیمه شماره ۲، به نمره ۲۹۳/۳۱۷۵۳ از اسناد بایگانی سازمان اسناد ملی ایران.

۳۶. سند ضمیمه شماره ۳، به نمره ۲۹۳/۳۱۷۵۷ از اسناد بایگانی سازمان اسناد ملی ایران.